

سخنگوی وزارت بهداشت خبر داد

**۳۰در صد تهرانی ها گرفتار اختلال روان هستند**

۱۳



ساختار اقتصاد در سال‌های قبل از انقلاب متفاوت بوده است. در آن دوران اقتصاد کشور از سه بخش تشکیل می شد. اقتصاد متکی به نفت، اقتصاد دولت‌بخش جزئی، در دست بخش خصوصی، در واقع اتکالی اقتصاد کشور بر درآمدهای

ارزی حاصل از فروش نفت بوده است و بر همین اساس میزان واردات کشور به میزان صادرات ما وابسته بود. هر دوره که میزان واردات ما نسبت به صادرات فزونی داشت اقتصاد با کسری در تراز پرداخت‌ها مواجه می شد و در حالت عکس هم مازاد تراز پرداخت‌ها داشتیم، بنابراین سکان همیشه در اختیار دولت بوده است. در این بین وظیفه بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است.

منابع مالی حاصل از صادرات نفت و دیگر اقلام از طریق اعتبار اسنادی یا پرداخت اسنادی به حساب‌های بانکی واریزی می شد.

در واقع صادرات همانند واردات بود که به موجب آن یا سود منابع تحت قانون اعتبارات اسنادی (L/C) انتقال می یافت یا به صورت نقدی که روال آن در چارچوب مصوبه‌هایی چون پرداخت مالیات...اجناس را زیر قیمت صورت می گرفت؛ روال به این صورت بود که بیشتر بین کشورهای هم گروه رواج داشت. در این میان صرافی‌ها نیز یا حاشیه کمی پول‌های نقدی را رد و بدل می کردند. اشخاص حقیقیی سِرای کاهش در هزینه‌ها و واردات، می خریدند under invoice و تفاوت آن را از طریق صرافی‌ها حواله می کردند. یک عده هم که برای استفاده از حق کمیسیون خود وارد گود می شدند. استفاده از overinvoice» برای ویژه خواری ...»

وظیفه اصلی بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است و در واقع اجازه نمی دهد که از خارجی پول رایج کشور شود. پول ملی هر کشور ناموس آن کشور است و این وظیفه بانک مرکزی است که نه تنها در راستای حفظ آن کوشا باشد بلکه برای ارتقای ارزش آن قدم بردارد و مانع سقوط آن نشود. عملاً کلیه وجوه ارزی در حساب‌های بانکی مستقیم یا غیر مستقیم تحت نظارت بانک مرکزی نگهداری می شود. نوسانات ارزی نغمتهی است برای ویژه‌خواران و معجزه‌های برای جبران کسر بودجه. دهه ۸۰ هم به سرآغ صندوق ذخیره ارزی رفتند که به طور متقابل بالای جان اقتصاد و معیشت اقتصادی مردم شد. همه می دانند که معاملات عمده ارزی و ذینفعان آن چه کسانی هستند، قطعاً این افراد از مردم عادی نیستند زیرا که

این مردم نه توان مالی ارزهای درشت را دارند و نه امنیت نگهداری آن‌را؛ دلان کالا، تجار صادراتی، صندوق‌ها، نهادهای شبه دولتی‌ها مالک عینی ارز خارجی هستند که به پنهان تحریم دور زدن آن، آقای روحانی یک گروه از آنها را ویژه‌خوار تحریم نامیدند. کاهش شدید ارزش پول ملی در مقابل ارز خارجی و مالکیت تمامی ارز رسمی کشور (بطور عمده در سال‌های اخیر) توسط دولت، موجب این است که ذینفع واقعی تغییرات (افزایش) نرخ ارز دولت باشد برای جبران کسری بودجه. حتی طرح نامانوس جبران بدهی دولت به نظام بانکی از محل کاهش شدید ارزش پول ملی انجام شد. این روزها هم دولت برای نجات ارزش پول ملی از غرق شدن در ۶۰۰ تومان، با اعلام تک



**عباس هشی**

نرخ ارزی ۴۲۰۰۰ ریال عملاً بخش عمده کسر بودجه سال ۹۶ را با همین ۲۰ درصد کاهش ارزش پول ملی بزرگ نمایی ارز خانگی و ایجاد محدودیت ارزی برای مردم که به پیس انداز دلاری دل خوش کرده‌اند و در مقابل ویژه‌خواران کاملاً مشهود است. برخی نفت را باتوجه به سکوت نسبت به ارقام درشت ارزهای قابل توجه در اختیار خام فروشی، طلای سیاه و بلای جان اقتصادی نامیدند. در سه دهه اخیر نبود برنامه اقتصادی مدون، بی توجهی مسئولان نظام پولی به حفظ ارزش پول ملی، اقتصاد دولتی در کنار تحریم‌ها، عدم وجود استقلال در مدیریت بانک مرکزی نوسانات ارزی ناشی از این ضعف مدیریتی را هم بالای دولت‌جان مردم کرده است.

تجربه سه دهه اخیر نشان می دهد که در موارد حساس ذینفع عمده نوسانات ارزی بانک مرکزی بوده است که ضمن انجام وظیفه مدیریت بازار، از منافع نوسانات ارز هم استفاده می کرده است. نمونه آن فروش ارز نقدی در خیابان منوچهری (سال‌های ۷۲ و ۷۱) ۱۳۸۰-۱۳۷۶ از طریق واسطه‌ها(سود قابل توجه تسعیر ارز) و در سه سال اخیر هم با تزریق ارز به صرافی‌ها و بازار تک نرخ ۴۲۰۰ دلار، ۷۰۰ تومان افزایش خواهد یافت.

بعد از انقلاب آن سهم کمی از اقتصاد که در دست مردم بود نیز دولتی شد. لایحه‌های قانونی ملی کردن و مصادره کردن همچنین تحت مدیریت صنایع و بانک‌ها بودن ... موجب شدند که اقتصاد کاملاً دولتی شود و تمامی امور پولی، مالی، اقتصادی، ارزی ... در اختیار دولت باشند. نباید فراموش کنیم که شرایط حاکم در آن سال‌ها چنین وضعیتی را می طلبد؛ در این سال‌ها انتقال ارز متنوع شد. در واقع فقط کسانی می توانستند در بازار ارز باشند که مجوزهای دولتی داشتند. بازار گانه‌ها، صنایع سبک و سنگین ... باید مجوز دولتی می گرفتند و بعد در بانک مرکزی ثبت سفارش می کردند تا تخصیص ارز صورت می گرفت. یک نظارت زیر زوی قیمت فروش بود.

بعد از انقلاب نرخ رسمی ارز کشور هر دلار حدود ۷۰ ریال بود که امور تخصیص آن برای واردات نیز، در اختیار دولت بود، چون عرضه ارز عمومی نبود قیمت بازار سیاه ایجاد شد که از ۸۰ ریال برای هر دلار شروع شد و تا سال ۱۳۶۲ به حدود ۵۰۰ ریال رسید. دولت برای کنترل آن در سال ۱۳۶۲ قیمت توجیهی هر دلار ۴۲۵ ریال قیمت صادراتی هر دلار ۵۰۰ ریال و نیز در سال‌های ۶۸-۶۷ ارز با عنوان رقابتی با قیمت ۹۰۰ و ۸۰۰ ریال برای هر دلار را اعلام کرد اما هیچگاه موفق به کنترل قیمت‌ارز زادنش.

#### تغییرات قیمت ارز در دهه ۶۰

در سال ۶۲ ارز از ۴۲ تومان تعیین کرد. ارز ویژه نیز ۴۲ تومان و ۵ ریال بود. در این زمان قیمت ارز در بازار سیاه به ۵۰ تومان رسید، در این زمان درآمد‌های صادرات غیرنفتی نیز وجود داشتند. در سال ۶۷ قیمت دلار به خاطر صدور قطعنامه ۳۲۰ تومان جایه‌جا شد، این در شرایطی بود که دولت تا سال ۵۸ تحریم بود و به خاطر مشکلات بحث سفارت، دولت نفت خود را به امریکا نمی فروخت.

ارز صادراتی که توسط دولت عرضه شد به منبعی دیگر برای ایجاد اومت تبدیل شد. با این روند هر شخصی که

انتقادهای علی کریمی از فدراسیون فوتبال تمامی ندارد

**حاشیه‌های جدید لباس تیم ملی**

۱۵



کالایی را صادر می کرد و ارز وارد می کرد باید با نرخ همان ۷ تومان آن را به دولت می فروخت.

به خاطر توافقی که بایتالیا، فرانسه و آلمان انجام شد پول نفت در حساب بانکی تحت کنترل نگه داشته می شد، هر کسی که ارز «L/C» می خواست از همان حساب‌ها برداشت می کرد. یک سری معاملات نیز با کشورهای کویت و ششوروی و اروپای شرقی داشتیم که جنس در مقابل جنس بود و ارز تهاتری را ایجاد کرد. از طرفی یک نرخ نیز برای نهادهای دولتی و آقا‌زاده‌ها و... تعیین شده بود. ایران بعد از جنگ خط اعتباری گرفت و در قالب قرض، ارز فاینانس به دست آورد. در این مورد چون درآمدهای ارزی پایین بود و از طرفی واردات داشتیم این ارز دیگری بی معنی بود و به همین سبب ارز رقابتی را با نرخ هر دلار ۹۰ تومان معرفی کردند. این نرخ برای واردات اقلام ماشین و مواد اولیه بود که در سال ۶۸ به ۸۰ تومان کاهش یافت. همچنین در این دوران تسهیلات فاینانس و اعتبارات کوتاه‌مدت از کشورهای مختلف توسط بانک مرکزی با عنوان «یوژانس» دریافت می شد که وضعیت ارزی کشور را البته در ظاهر تقویت کرد.

#### سیر نوسانات ارزی

تا سال ۷۱ هر دلار رسمی حدود ۷۰ ریال بود که رانت و فساد مالی ناشی از آن موجب افزایش نرخ تورم، کسر بودجه ... شدند، در حالی که نرخ بازار ده‌ها برابر آن بود. مدیران اقتصادی دولت تازه به خودشان آمدند و دیدند که ۱۲ سال است ارزش پول ملی کاهش یافته ولی قیمت دلار و ارزهای خارجی ثابت مانده است و بازار آزاد هم ساز خودش را می زند. لذا قیمت رسمی ارز برای هر دلار به ۱۲۰ تومان اعلام شد.

این قیمت تا سال ۷۳ نگه داشته شد در حالی که دولت هم پول‌های نفت را می گرفت هم پول‌های فاینانس و هم یوژانس را.

در ادامه به بانک‌ها هم اجازه دادند که ثبت سفارش انجام دهند و همین شرع معضل جدیدی بود؛ بعضی سفارش‌ها یا توسط بانک‌ها ثبت نشده بودند یا خود بانک مرکزی اطلاعات آنها را به کار نبرده بود. با شروع سرزنس قرض‌های بانک مرکزی از یک طرف بانک‌ها زیر بار بعضی از قرض‌ها نمی رفتند و از طرف دیگر بانک مرکزی اظهار

بی خبری می کرد این شد که دولت ایران بدهکار شد.

دوران ۶۸ تا ۷۲ دوران بدمدیریت بانک مرکزی بود. از دیپهشت ۷۴ مردم دولت و مجلس با یک شوک ارزی برای دلار ۷۰۰ تومان روبرو شدند و دولتمردان قرار گذاشتند که قیمت آن را پایین بیاورند که نتیجه آن معرفی ارز شناور با قیمت هر دلار ۱۷۵ تومان و ارز صادراتی معادل ۳۰۰ تومان در اردیبهشت ۱۳۷۴ بود. در این بین هر گونه خرید و فروش ارز حکم زندان داشت.

دولت سعی می کرد که قیمت ارز را کنترل کند اما مشکل اینجا بود که بعضی نهادهای اقتصاد زیرزمینی. در خارج از کشور ارز نگهداری می کردند و در بازار غیر رسمی آن را می فروختند. این حساب و کتاب دولت را بر هم زد و عملارز صادراتی از ۳۰۰ به ۸۰۰ تومان رسید. دولت برای تشویق بانک مرکزی واریزنامه صادرات معرفی کرد و به ازای هر واریزنامه ۱۵۰ تومان می داد، تا اینجا یعنی ماز یک طرف باید ۳۰۰ تومان به بانک می دادیم و از طرف دیگر ۱۵۰ تومان پسه صادرکننده. در سال ۸۰، دلار به حدود ۷۸۰ تومان رسید و دولت سیاست تک‌نرخ شدن ارز را در پیش گرفت. باز هم بانک‌ها دولتی بودند و باز هم بازار اولیه ارز و مدیریت آن در دست دولت بود.

همچنین ارز غیرنفتی نیز افزایش یافته بود که آن هم نهایتاً نفتی بود. در این دوران صاحبان دولت بود که نفت می فروخت یا صادر کنندگان غیرنفتی بود که باز هم در دست دولت بود.
سال ۱۳۸۳ بانک مرکزی اجازه داد که صرافی‌ها باز شوند؛ به مرور بیش از ۹۰ درصد ارز در دست بانک مرکزی و تقریباً ۱۰ درصد بعدی در اختیار صرافی‌ها بود و این روند تا سال ۸۸ ادامه داشت. اما در سال ۸۵ مدیریت بانک مرکزی عوض شد و دیدگاه مهندسی حاکم بر آن دیوارهای نظارت را فرو ریخت. در این دوران عدم استقلال بانک مرکزی و دولت مجدداً تشدید شد.

#### شوکه ارزی ۱۳۹۱-۱۳۹۰

سال ۹۰ دلار طبق روند افزایش ۱۰ درصدی سالانه خود به ۹۰۰ تومان رسید. سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ سیاست‌های بی حساب و کتاب دولت‌های هشتم و نهم و سومعدیریت که اتفاق افتاد قیمت دلار را به ۱۵۰ تومان رساند. در این زمان بانک مرکزی قیمت مرجع را هزار و ۲۳۰ تومان تعیین کرد و از آن طرف هم معاملات ارز را

### آنچه در این یادداشت می خوانید

- نوسانات ارزی نغمتهی است برای ویژه‌خواران و معجزه‌های برای جبران کسر بودجه، دهه ۸۰ هم به سراغ صندوق ذخیر ه‌ارزی رفتند که به طور متقابل بلای جان اقتصاد و معیشت اقتصادی مردم شد.**
- کوتاه آمدن دولت در مقابل دلواپسان و دلالان ویژه‌خوار ارزی تحریم و بازار گانان ارز صادراتی نیز جای بحث دارد. تقابل دلواپسان با دولت نهم تحت شعار آرمان شفافیت به عنوان پوشش اعتراض «مذاکرات برجام» اعتراض دلاری ۱۰ دلار می خریدند».**
- هنوز امضای ارز تک نرخ ۴۲۰۰ تومانی خشک نشده، افزایش هزینه معیشت زندگی ورق خورد. «افزایش قیمت مرغ» به دلیل افزایش بهای خرید دانه‌ها و به همین ترتیب سایر اقلام مصرفی که نشان از بی انصافی کسبه بازار گانان دارد ز، افزایش قیمت ارز ۴۲۰۰ از روز شنبه بر خریدهای آتی مواد و کالای وارداتی اثر دارد.**
- اگر انصافی می‌بود، باید موجودی قبلی را بدون تاثیر ناشی از افزایش ۲۰ درصد ارز به فروش می رساند. متأسفانه بخش عمده کسبه، بازار گانان و... چنین انصافی را ندارند. بنابراین به کمک مصوبه دولت، یک‌شبه‌با یک تروت کلان پهر مند شده‌اند.**

سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۷، ۳۰ رجب ۱۴۳۹، ۱۷ آوریل ۲۰۱۸، سال یازدهم، شماره ۴۰۶۶

# انتخابات

یادداشت

### مثلت گسسته اقتصاد ایران



**سمیرا کریمی**

را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در دولت دوازدهم این سسه متولی امور بین‌المللی تجاری و ارزی، از هم گسست بسیار بالایی دارند و نمی‌توانند تصمیم‌سازی همگرایی در راستای کنترل شرایط تجارت بین‌المللی و اقتصاد بین‌الملل کشور ایفا کنند.

در نتیجه سیاست پولی انبساطی که برای جلوگیری از رکود اقتصادی با کاهش نرخ سود سپرده‌ها در بانک‌ها اعمال شد حجم زیادی از نقدینگی کشور از بانک‌ها خارج اما توسط سایر اجزای دولت برای انتقال این نقدینگی و سرمایه‌های سرگردان به بخش تولید سیاست مشخص و کارآمدی تدوین نشد. این موضوع منجر به انتقال سرمایه‌های سرگردان به کانال مخرب بازار برای تحقق سودهای آنی شد. این در حالی است که این نقدینگی توسط سیستم بانک مرکزی با هدف ایجاد شوک انبساط مالی و هدایت به بخش تولید و سرمایه‌ای و رونق اقتصادی از سیستم بانکی خارج شده بود.

در واقع اگر این سناریوی کاذب که افزایش قیمت دلار، ناشی از اعمال سیاست‌های دولت برای جبران نقدینگی و عرضه دلار با قیمت بالاتر بوده است را به درستی کنار بگذاریم و به واقعیت شرایط ارزی کشور نگاه کنیم، می‌بینیم که مکانیسم‌های انتقال ارز دولتی در رنج و دامنه بسیار کنترل شده‌ای در حال بالاس کردن و کنترل قیمت هستند و این شوک‌های شدیداً صعودی قیمت دلار، ریشه فاندامنタル و بنیادینی در اقتصاد ایران ندارند و ناشی از سیاست‌های هدفمند دولت نیستند. محرک‌های ارزی، در بازار آزاد و بخش غیردولتی شکل گرفته و تکانه‌های ارزی، در حال حاضر غیر قابل کنترل توسط بانک مرکزی بوده و در حال به‌هم ریختن متغیرهای کلان اقتصاد ایران است. در صورت تداوم این شرایط ارزی، ساختارهای اقتصاد در بخش تولید و صنعت با افزایش هزینه‌های اولیه روبه رو شده و آثار تورمی آن به بخش‌های دیگر اقتصاد منتقل می‌شود. در بخش واردات کالاهای تجاری و نهاده‌های

اولیه دامی و... نیز می‌ان شوک خود را بدون تاخیر و مستقیم به کالاهای مواد غذایی و مواد اولیه و کالاهای اساسی منتقل می‌کند؛ لذا تکانهای معیشتی برای اقتصار بر آمد ثابت و محدود مصرف کنندگان، منجر به بحران تقاضا می‌شود. این شرایط زمینه‌ساز رکود عمیق‌تر صنعت تولید و بحران تقاضای ناشی از کاهش قدرت خرید می‌شود. این تصویر تلخ از شاخص‌های اقتصاد کلان، در واقع ضرورت هم‌اندیشی و همگرایی تصمیم‌سازان و متولیان تجارت و امور بین‌المللی اقتصاد ایران را ایجاب می‌کند ولی این همگرایی در ساختار کشور یاد می‌کنند که در واقع این دولت پنجاه این موضوع عدم انسجام درونی سیاست‌گذاری اقتصاد را سر در گم کرده است.

سیاست‌های نا پیوسته و گسسته در درون دولت منجر به هدایت پول‌های داغ اقتصاد ایران به کانال ارز شده است و خروج از این کانال بسیار زمانبر خواهد بود چرا که انتظارات تورمی و توهم پولی ایجاد شده به گونه‌ای پیش رفته است که مدیریت موجودی و عرضه از دست بانک مرکزی خارج شده است و سمت‌فوی عرضه در خارج از دولت قرار گرفته است که بسیاری از آن به دولت پنجاه یاد می‌کنند که در واقع این دولت پنجاه می‌تواند یک طبقه خاص در آمدی واسطه‌های باشد که هدایت شده به انتقال دلار‌ها از سبید دولت با نرخ حمایتی ۳۲۰۰ تومان سنناریو فرورپاشی بخش تولید

اقتصاد را رقم زده باشد و می‌تواند یک هدایت ناخواسته سرمایه‌های سرگردان آزاد شده از سیستم بانکی به کانال سوداگرانه ارزی باشد مهم این است که شرایط کنونی بخش تولید اقتصاد ایران که حیات خود را از واردات کالای سرمایه‌ای دارد و هزینه‌های ارزی، بخش واقعی را در بر می‌گیرد تمام شده است و یک عدم تقارن و بالانس ارزی، با افزایش قیمت ارز با باید حذف شود یا قدرت داشته باشد قیمت فروش خود در ایران را افزایش دهد که در این صورت، باید گفت بقای تولید داخلی در گروی موج تورمی مهار شده‌ای است. در نتیجه افزایش شدید نرخ شبه نقدینگی در ایران، هشدارهای آن از دیر باز توسط اقتصاددانان به دولت داده شده بود.

در حال حاضر تشکیل کار گروه بیسن مجلس و دولت و... راهکار درصان اقتصاد ایران نیست، با اعمال کنترل‌های شدیدتر عرضه وضعیت موجودی و عرضه و تقاضا و تراز ارزی کشور تغییر نخواهد کرد بلکه دولت باید سیاست‌های تازه‌ای متناسب با شرایط دلار در قیمت واقعی را ادامه دهد و از شرایط پیش آمده برای آزادسازی اقتصاد ایران بهره برده و با عدم مداخله‌های کنترلی، سیاست‌های مستحکمی را برای واقعی کردن قیمت‌های اقتصاد اتخاذ شود. ولی بدیهی است در شرایط کنونی با هجمه ممتنی بر دانشی غیر اقتصادی، برای خیزش دولت برای مقابله با قیمت جدید ارز و کنترل و مهار ارز سه راه می‌افتد و به هزینه بالا برای دولت، قیمت‌های بسیاری از کالاهایی که در معرض تورم شدید قرار دارند اقتصاد بیمار آسیب‌پذیر تجربه کنترل‌های تازه و شرایط دستوری و کنترلی بیش از پیش را تجربه خواهد کرد.

دانشجوی دکتری اقتصاد

امیر جدیدی اعتماد

به نرخ آزاد رسمی توافقی نزد صرافی‌ها اعلام کرد. در سال ۱۳۹۱ دلار ۴ هزار و ۸۰۰ تومان شد که در پی آن محدودیت‌های ارزی اعمال و مقرر شد که تمام ارزهای کشور به بانک مرکزی تحویل داده شوند و اینجا بود که ارز مبادله‌ای معرفی شد تا اینجا کشور ۳ قیمت برای ارز دارد. بودجه دولت در سال ۹۲ با دلار مبادله‌ای بسته شد ولی بازار آزاد قیمت دلار هزار و ۷۰۰ تومان شد. این سیاست جهت حفظ ارزش پول ملی و تقویت تولید داخلی اعمال شده بود، اما از یک طرف کسری بودجه دولت مطرح بود و کاهش آن به معنی کاهش درآمدهای دولت بود و از طرف دیگر اگر صادراتی‌ها نیز صادرات خود را کاهش می‌دادند قیمت تمام شده کالاها نیز کاهش می‌یافت و قیمت تمام شده نیز کاهش پیدا می‌کرد. در مهر ۱۳۹۱ دلار مبادله‌ای ۲۵۰۰۰ ریال معرفی شد با هدف مبارزه نرخ آزاد ۴ هزار و ۵۰۰ تومان، اما کسی گوش نداد و در اواخر ۹۲ صحبت از ۶ هزار ریال هر دلار شد و ناگهان سیاست کمک دولت کاهش یافت. در انتخابات ۹۲ سخنرانی آقای سیف که کف قیمت ۲۷۰۰ تومان خوب است و اعتراض نماینده‌های مجلس که باید از این قیمت کمتر شود از یک طرف و ویژه‌خواران ارز برخی از عوامل آنها در دولت صحبت از ارزان‌فروشی نرخ ارز را مطرح کردند.

#### عملکرد دولت در بازار ارز

کوتاه آمدن دولت در مقابل دلواپسان و دلالان ویژه‌خوار ارزی تحریم و بازار گانان ارز صادراتی نیز جای بحث دارد. تقابل دلواپسان با دولت نهم تحت شعار آرمان شفافیت به عنوان پوشش اعتراض «مذاکرات برجام» اعتراض علنی در پی داشت و دست ویژه‌خواران ارزی در تحریم رو شد (جنس سبک دلای را ۱۰ دلار می خریدند). همه افرا عاقل و دست به فعالیت اقتصادی و همچنین تولیدکنندگان واقعی که دست آنها از تصاحب و تصمیم‌گیری برای ارز صادرات قطع است، می‌دانند که مخالفت‌های این گروه هر چند معتقد به جمهوری اسلامی هستند، اما به خاطر منافع حاصل از ارز در حوزه جغرافیایی خود در حوزه خصولتی‌ها، شبه‌دولتی‌ها، به‌ویژه سهامداران پتروشیمی و... همسو با دولت نبوده است. این وضعیت پیش آمده از آبان ۱۳۹۶ (تشدید

تقاضا برای دلار) که موجب تنش، ترس، نگرانی و هجوم مردمی به بازار ارز شده بود ناشی از شل‌کنی سفت‌کن ورودی و خروجی ارز صادراتی است که در اختیار دارند و در موقعیت خریدارز و فروشنده ارز صادراتی ایفای نقش داشته‌اند. تولیدکننده واقعی به فکر افزایش قیمت دلار نیست؛ زیرا با افزایش قیمت دلار به‌طور موقت از فروش ارز سود خواهد داشت اما برای تولید بعدی باید جنس را گران‌تر بخرد، جنس گران‌تر خریدن بالا بردن قیمت فروش را در پی دارد. یک تولیدکننده واقعی این رسالت را دارد که باید کالای تولیدی (حتی خدماتی) را به قیمتی بفروشد که خریدار راضی باشد و رعایت حال خریدار را بکند که توان پرداخت آن را داشته باشد. بنابراین به هیچ‌وجه گول سود ز صادراتی را نمی‌خورد. اما بازار گان و دلار «صادراتی» به رعایت حال خریدار کاری ندارد، هر چی بتواند گران‌تر می‌فروشد. این سود ارز بیش از ۹۰ درصد در جیب واسطه‌های رود نه تولیدکننده‌ها.

ادامه در صفحه ۱۰